



نقد فضاهای خود برانگیخته "شفا"، زشت ترین خیابان شهر

□ دکتر مریم فدایی - شهرساز

مسأله از وجهی دیگر چنین می‌نماید: سرمایه گذاری مسکن و خرده فروشی در گوشه ای از شهر بدون یارانه و حمایت دولتی بسیار سود زا شده و این سرمایه گذاری همراه با تعداد زیادی رستوران، دکه عرضه غذاهای سریع، بدون هیچ گونه امکانات رفاهی عمومی، حتی دسترسی مناسب پیاده، تبدیل به مکانی شده است برای تفریحات غیر رسمی.

نمونه بارز این گونه فضا که در شهرهای رو به رشد کنونی زیاد به چشم می‌آید، خیابان شفا است. شفا در غرب شهر کرمان و منشعب از بلوار اصلی است که فرودگاه را به مرکز شهر وصل می‌کند. اعتبار این

خیابان به بیمارستانی است که به همین نام در انتهای آن واقع شده. هر چند که کم تر از ۲۵ سال از عمر این خیابان و محلات اطراف آن می‌گذرد، اما از پر رونق ترین محلات شهر، دست کم از لحاظ ساخت و ساز مسکن محسوب می‌شود.

تراکم ساختمان‌های این محله از دیگر نقاط شهر بیش تر است و شهروندان تمایل زیادی برای سکونت در این منطقه دارند. در حالی که کم ترین خدماتی از سوی مسوولان شهر به این محله اختصاص نیافته است. بسیاری از بازسازی‌های عمومی چون آسفالت گذرگاه‌ها

رشد شهرهای امروزی در قالب مناطق و محلات مجزا و متفاوت به زوال رونق در برخی و سرزندگی در برخی دیگر می‌انجامد، که این افول و ظهور در پی فرآیندهای پیچیده رشد شهر، طرح‌های توسعه، سیاست‌های خاص مدیران شهری، جهت گیری‌های سرمایه گذاران کلان، اقتصاد متغیر حاکم بر شهرها و بسیاری عوامل دیگر رخ داده است. رونق محلات عمدتاً جدید در پی تمایل مالکان و طبقه مرفه جامعه شهری برای سرمایه گذاری در آن‌ها بوده و ناهمخوانی این تحول با رشد عادی و طبیعی شهر و خدمات قابل ارائه مسوولان شهر و در پی جهش سریع از مقیاس همسایگی به مقیاس شهری باعث

ایجاد اختلال در نظام کارکردی آن محلات شده است. برای مثال خیابانی که طی رشد عادی خود می‌بایست تنها از لحاظ سلسله مراتب راهها «جمع کننده» باشد و در حد رفع نیازهای ساکنان، تبدیل به مرکزی می‌شود برای تجمع یا به عبارتی «باتوق» که اگر در مقیاس شهر نباشد، در مقیاس منطقه فعال و پر رونق است و این ناهمخوانی ناشی از ناتوانی فضا برای ارائه خدمات به این فعالیتها و از طرفی رونق روزافزون آن، در انجام وظیفه فضا در قبال ساکنان خلل وارد کرده است.

«فضای عمومی برای ایجاد گفتمان
تعاملی بین شهروندان»، نشانه یک
جامعه سالم است



فضاهای شکل یافته‌ای رشد نمی‌یابند، اما از لحاظ حسی و ذهنی، در ارتباطی که با شهروندان برقرار می‌کند، موفق‌اند. این گونه فضاها را در شهر با انبوه اتومبیل، چراغ‌های رنگین و تابلوهای تبلیغاتی و البته تراکم پیاده‌ها می‌توان یافت. این رفتار که صرفاً واکنش جامعه در قبال عدم پاسخگویی شهر به نیازشان است، از سوی دیگر شهروندان به صورت رفتار ناهنجار تلقی می‌شود و از سوی اداره کنندگان امنیت و مدیران شهری با این فضاهای خود برانگیخته و اجتماعی که این فضا را تعریف می‌کند، برخورد می‌شود. با این کنش و واکنش چه باید کرد؟

کنش شهروندان (عمدتاً جوانان) به این کاستی شهر که اگر سؤال کنید «چرا اینجا؟» می‌شنوید «پس کجا؟!» و واکنشی که این تجمع را غیر منطقی و نتیجه رفتار غیر اجتماعی جوانان می‌پندارند، نادیده گرفتن این مسئله از سوی مسئولان شهری و سپردن کنترل و هدایت این مسئله به دست ناظران امنیت شهر (پلیس)، تنها مسأله را بغرنج می‌کند و آنچه می‌ماند، مجموعه‌ای است از پاتوق‌های کوچک و در عین حال جذاب که در سطح محله پراکنده‌اند.

این رخداد شهری وجه دیگری هم دارد.

فضاهای عمومی که در خدمت مدیران شهری است به دلیل عدم تمایل آن‌ها به رسیدگی و ارائه هزینه، در خدمت بخش خصوصی قرار گرفته و یا کنترل آن، آن‌ها را به بخشی از ملک خود تبدیل کرده‌اند. یعنی بخش خصوصی سود ناشی از فضا را جذب می‌کند. واقعیت آن است که تجمع افراد در خود سرمایه‌ای پنهان را به همراه دارد که این سرمایه با برنامه ریزی قابلیت بالفعل شدن را دارد. خیابان شفا برای شهر و شهرداری معضل نیست و این تصور که با رسیدگی نکردن به این فضا می‌توان از تمایل مردم کاست، غلط است. بلکه شهرداری تنها فرصتی بزرگ را از دست می‌دهد. شهرداری بدون توجه به حق خود در مورد فضاهای عمومی و املاکی که در این منطقه در دست دارد، سرمایه‌ها را از دست می‌دهد؛ در حالی که می‌تواند به راحتی کسب درآمد نماید و با سرمایه گذاری در این فضا ضمن نظم بخشیدن به آن، سود ناشی از این تجمع را عاید خود نماید. جالب اینجاست که شهرداری تمام تلاش خود را

با پیگیری و حمایت مالی بخش خصوصی انجام شده است. فضای سبز و امکانات تفریحی-رفاهی نسبت به جمعیتی که در این مناطق سکونت دارند، پایین است. به غیر از بیمارستان شفا که اگر کاربری درمانی محسوب شود حوزه نفوذی فراتر از شهر دارد، هیچ کاربری خدماتی که در طرح‌های شهری به عنوان سرانه پیش بینی شده است وجود ندارد نه ورزشی، نه بهداشتی، نه آموزشی و نه... در حالی که جمعیت این منطقه تراکمی دست کم دو برابر دیگر نقاط شهر دارد. هر چه که هست سرمایه گذاری بخش خصوصی است که در مقیاس کوچک فعالیت می‌کنند.

خیابان شفا در واقع جزو نازیبان خیابان‌های شهر محسوب می‌شود که به غیر از دکوراسیون مغازه‌ها و چراغ‌های رنگین آن‌ها که در شب جلوه‌نمایی می‌کند، فضایی است بی روح که تنها نقطه مثبت این خیابان، پارکی است به عرض ۱۰ متر که به طور خطی در انتهای شرقی این خیابان یک سال است که احداث شده و از جمله پارک‌هایی است که مورد استقبال فراوان شهروندان قرار گرفته است. (به اضافه گل‌دان‌هایی که مغازه داران در جلوی محل کسب‌شان ساخته‌اند). بی توجه به توصیفات که از این خیابان رفت، تصور شفا در اذهان شهروندان کاملاً متفاوت است. شاید آنقدر که اتومبیل‌های مدل بالا، ترافیک سنگین و رفت و آمد پیاده‌ها به این سو و آن سو به چشم می‌آید، بی نظمی و کاستی‌های خیابان درک نمی‌شود. این جلوه شفا برای همگان آشنا است و نیاز به توضیح ندارد. آنچه که مسأله است نبود هماهنگی خیابان و امکانات آن با فعالیت‌های مختلف است که از سوی شهروندان انتخاب شده، تجمع جوانان در اغذیه‌فروشی‌ها که به خیابان کشیده می‌شود، اتومبیل‌های مملو از افراد که فقط می‌چرخند و چراغ‌های گردان پلیس که برای کنترل نظم، آن‌ها را همراهی می‌کند و پرده آخر، جلوی بیمارستان است؛ چهره نگران همراهان بیمار از نظاره گر این بازی موش و گربه‌اند. این اجتماع عقده‌سر و کرده‌ای است از ناتوانی شهر در پاسخگویی به نیاز شهروندان که به صورت رفتار و عکس‌العمل بعضاً ناهنجار آن‌ها بروز کرده است.

کامبود فضای عمومی

«فضای عمومی برای ایجاد گفتمان تعاملی بین شهروندان»، نشانه یک جامعه سالم است. هر اجتماعی از افراد که در کنار هم می‌زیند، فضای عمومی‌ای را برای ارتباط با هم انتخاب می‌کند. شهرهای سنتی ما مملو از فضاهای عمومی‌اند که در قالب‌های مختلف شهروندان را دور هم گرد می‌آورند. از میدان گرفته تا چارسو، تکیه و... فضای عمومی رکن ثابت هر زیستگاه است و نبود آن باعث می‌شود جامعه در پی جبران برآید که رفع این کاستی عمدتاً در قالب واکنش شهروندان به صورت غیر ارادی و ناخودآگاه در عین حال همسو و در یک روند رفت و برگشتی شکل می‌گیرد. شهروندان خود این فضا را انتخاب نموده و در پرورش آن مشارکت می‌کنند که این انتخاب بر پایه تعاملی است بین مالک و استفاده کننده؛ چون عملاً فضای عمومی وجود ندارد. هر چند که این عرصه‌ها به دلیل عدم انعطاف پذیری شهرهای کنونی به صورت

واقعیت آن است که تجمع افراد در خود

سرمایه‌ای پنهان را به همراه دارد که این سرمایه

با برنامه ریزی قابلیت بالفعل شدن را دارد

برای رونق بخشیدن به محلات و فضاهای افول کرده می‌کند، در حالی که موفقیت این طرح‌ها در جذب مردم و سرمایه مطمئن نیست، اما در فضایی که یک دهک کوچک کاملاً موفق است، پای خود را کنار کشیده است. برنامه ریزی هوشمندانه و طراحی درست این خیابان تنها راه حل خیابان شفا برای تبدیل شدن به خیابانی پررونق، سودآور و در عین حال منظم و زیبا.

* نام خیابانی در شهر کرمان

منبع:

kermanshahr.c/3.90